

راماکانت دیویدی^۱

سازمان کشورهای مشترک‌المنافع دارای ساختارهای متعددی در حمایت از اهدافی مشابه با اهداف سازمان همکاری شانگهای می‌باشد، اگرچه بجز حوزه موضوعات امنیتی به موفقیت‌های چندانی نایل نشده است. جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز خود در ارتقای همکاری منطقه‌ای موفقیت زیادی نداشته، و خصوصاً در مورد موضوعات امنیتی، امید به روسیه بسته‌اند. سازمان همکاری شانگهای در مورد همکاری اقتصادی مسیری طولانی در پیش دارد چرا که دارای روندی طولانی با اهدافی درازمدت می‌باشد. جمهوری‌های آسیای مرکزی از اضطراب‌های ژئوپلیتیکی مطلع بوده و بنابراین باید روابط دوستانه خود را با چین حفظ کنند. بنابراین در آینده قابل پیش‌بینی اضطراب‌های ژئوپلیتیک همچنان بر عملکرد جمهوری‌های آسیای مرکزی حاکم خواهد بود.

سومین اجلاس «سازمان همکاری شانگهای» در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ در شرایط ژئوپلیتیک در حال تغییر منطقه آسیای مرکزی، در شانگهای برگزار شد. این تغییرات از ادعای مجدد روسیه در منطقه، افزایش روابط چین با جمهوری‌های آسیای مرکزی چه در سطح دوجانبه و چه چندجانبه و اقدامات ایالات متحده در جهت کسب آخرین پایگاه در این منطقه نشأت می‌گیرد. «انقلاب گل لاله» در جمهوری قرقیزستان در ماه مارس ۲۰۰۵ و «واقعه اندیجان» در ۱۵-۱۲ مه سال ۲۰۰۵ در بخش ازبک دهکده فرغانه بدنبال خروج نظامیان ایالات متحده از ازبکستان، موضوع نمایش مجدد «بازی بزرگ» را در آسیای مرکزی دوباره مطرح کرده است. این تحولات بدنبال «انقلاب گل سرخ» در گرجستان در سال ۲۰۰۳ و «انقلاب نارنجی» در اوکراین در سال ۲۰۰۴ متعاقب

۱. دکتر Ramakant Dwivedi (مؤسسه مطالعات دفاعی هند)، خلاصه این مقاله در چهاردهمین سمینار سالانه آسیای مرکزی و قفقاز ارائه شده و متن کامل آن اختصاصاً برای فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز تهیه و ارسال شده است. متن انگلیسی توسط خانم فاطمه سلطانی به فارسی ترجمه گردیده است.

انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی این کشورها، رخ داد. تحلیلگران پیش‌بینی کردند که آن «انقلاب‌های رنگین» تأثیر دومینویی بر منطقه آسیای مرکزی خواهد داشت. این برداشت مبتنی بر قرائن و اطلاعات ناکافی به نظر می‌رسد. تغییر رژیم در اوکراین و گرجستان ندای هشدار بود برای رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی در مورد «برنامه دموکراتیک» قدرتهای غربی. این امر چین، روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی را بر آن داشت تا برای برهم زدن توازن این «برنامه» به یکدیگر نزدیکتر شوند.

از آنجا که هیچ‌یک از کشورهای منطقه قادر به مقابله با ایالات متحده و متحدان غربی نیست، «سازمان همکاری شانگهای» برنامه مناسبی را برای نیل به این هدف فراهم می‌آورد.

سازمان مذکور در ۱۴ ژوئن سال ۲۰۰۱ توسط چین، روسیه و جمهوری‌های قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان (جمهوری‌های آسیای مرکزی) در شانگهای ایجاد شد. اهداف آن از این قرار است: الف) ایجاد و رسمیت بخشیدن به مکانیزمهای همکاری در امنیت مرزی، اعتمادسازی، فعالیتهای ضد تروریستی، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی؛ ب) همکاری اقتصادی؛ ج) مبادلات فرهنگی - اجتماعی و د) ایجاد مکانیزمی برای حل اختلافات در میان اعضای سازمان. مغولستان، هند، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران اعضای ناظر این سازمان را تشکیل می‌دهند. مغولستان در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴ در تاشکند، هند، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران در اجلاس ژوئیه ۲۰۰۵ در آستانه به مقام نظارت سازمان همکاری شانگهای دست یافتند.^(۱)

شانگهای پنج فعالیتهایش را بر برقراری صلح و ثبات در مرزهای مشترک چین با روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان متمرکز کرده بود. واضح است که در اوایل دهه ۱۹۹۰، حفظ ثبات در سین‌کیانگ و حل منازعات مرزی با روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی در رأس دستور کار چین قرار داشت. متعاقباً موضوعات مربوط به انرژی، احیای «جاده ابریشم»، برخورد با تهدیدهای تروریسم بین‌المللی و قاچاق مواد مخدر تبدیل به فاکتورهای مهم در محاسبات

استراتژیک چین شدند. طی ۱۵ سال گذشته، چین توانسته است روابط دوستانه و نزدیکی را با جمهوری‌های آسیای مرکزی گسترش دهد، و بر بلا تکلیفی‌های منازعات مرزی، تهدیدهای تروریسم و ناسیونالیسم نژادی فائق آید. اصل روحیه شانگهای بر اساس نگرش مثبت نسبت به همسایگان، دوستی و همکاری بود. با افزایش تهدیدهای غیرمرسوم و آسیب‌پذیری جمهوری‌های آسیای مرکزی نسبت به این نیروهای خطرناک، برنامه کار امنیتی شانگهای پنج بتدریج روبه گسترش نهاد.

اولین نشست شانگهای پنج (روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) در سال ۱۹۹۶ در شانگهای و دومین نشست آن در سال ۱۹۹۷ در مسکو «سازمان همکاری شانگهای» را پایه‌ریزی کرد. شانگهای پنج متعهد به تقویت روابط دوستانه، همکاری و افزایش اعتماد نظامی دوجانبه در میان اعضایش بود. هدف اصلی نشست ۱۹۹۸ در آلمانی پیشبرد اعلامیه‌های مشترک نشستهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، از جمله میراث عصر شوروی (مربوط به مرزها) و فعالیت ساختن سازمان در حل موضوعات منطقه بود. در طول جنگ سرد، نیروهای مخالف شوروی و چین در منطقه آسیای مرکزی تمرکز فراوانی داشتند. شانگهای پنج تصمیم گرفت منطقه‌ای را که زمانی نقطه اصلی تنشها قرار داشت تبدیل به یک منطقه امن کند. نشست سال ۱۹۹۹ این سازمان در بیشکک در احیای تجارت «جاده ابریشم» و کمک به ایجاد یکپارچگی اقتصادی بیشتر جمهوری‌های آسیای مرکزی، روسیه و چین به موفقیت دست یافت. گردهمایی سال ۲۰۰۰ شانگهای پنج در شهر دوشنبه برای اولین بار نسبت به سیاست خارجی آمریکا عکس‌العمل نشان داد. دلیل اصلی این واکنش جنگ ناتو در یوگسلاوی بدون تصویب شورای امنیت بود. سازمان مذکور طی اعلامیه‌ای مشترک اهمیت شورای امنیت را برجسته ساخته و استفاده از حقوق بشر برای نابودی حاکمیت ملی جمهوری‌ها را مورد انتقاد قرار داد. همچنین، این اولین باری بود که شانگهای پنج مبارزه جمعی علیه تروریسم بین‌الملل، افراط‌گرایی مذهبی و تجزیه‌طلبی را مورد توجه قرار می‌داد. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۱ این سازمان از بکستان را که یک

ناظر بود به عنوان عضو پذیرفت و بدین ترتیب تبدیل به شانگهای شش شد. همه رؤسای این شش کشور اعلامیه سازمان همکاری شانگهای را در ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۱ به امضا رساندند.

در ژوئیه ۲۰۰۱ روسیه و چین «پیمان حسن همجواری و همکاری دوستانه»^(۲) امضا کردند. سازمان همکاری شانگهای در ژوئن ۲۰۰۱ حمایت از پیمان سال ۱۹۷۲ موشک ضد بالستیک^۱ را گسترش بخشیده و با برنامه دفاع موشکی ملی ایالات متحده^۲ مخالفت کرد. این سازمان آسیای مرکزی را یک منطقه آزاد هسته‌ای اعلام کرد. اعضای آن همچنین نشان دادند که مایلند گفتگویی را با مرجع منطقه‌ای «اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا» آغاز کنند. مهمترین نتیجه این کنفرانس سند «کنوانسیون شانگهای در مورد جنگ با تروریسم، تجزیه طلبی و افراط گرایی مذهبی»^(۳) بود. در ماه ژوئن ۲۰۰۲، سازمان همکاری شانگهای توافقنامه ساختار ضد تروریستی منطقه‌ای^۳ را به امضا رساندند. این توافق مهمی بود زیرا خواستار چارچوب قانونی صریح و سازوکارهای عملی در مبارزه علیه تروریسم، تجزیه طلبی و افراط گرایی شد.^(۴) اجلاس ماه مه ۲۰۰۳ سازمان همکاری شانگهای در مسکو ایجاد دبیرخانه سازمان در پکن و انتقال «ساختار ضد تروریستی منطقه‌ای» از بیشکک به تاشکند را به تصویب رساند. این سازمان همچنین اولین تمرین مشترک خود را از هفتم تا دوازدهم اوت ۲۰۰۳ انجام داد؛ در ضمن پس از نشست مسکو در سال ۲۰۰۳، یک جلسه پیگیری «اتحاد و همکاری اقتصادی» در سطح وزیران در پکن برگزار کرد. نخست وزیران بودجه‌ای را برای دبیرخانه سازمان و ساختار ضد تروریستی منطقه‌ای در تاشکند تعیین کردند. مقامات سازمان شش سند دیگر در مورد رسمی کردن سازمان همکاری شانگهای به مرحله نهایی رساندند. این اسناد، همکاری تجاری و اقتصادی چند جانبه را محکمتر می‌ساخت.^(۵)

نشست ماه ژوئن ۲۰۰۴ در تاشکند چارچوب سازمان را قوت بخشیده و مغولستان را به

1. Anti - Ballistic Missile (ABM)

2. U.S. National Missile Defense (NMD)

3. Regional Anti-Terrorism Structure (RATS)

عنوان ناظر آن پذیرفت. روسیه در مورد موضوع امنیت و ثبات در منطقه ابتکار عملی برای ایجاد یک گروه تماس بین سازمان همکاری شانگهای - افغانستان ارائه داد تا اقتصاد افغانستان احیاء گردد. اعضای سازمان مذکور همچنین توافقنامه‌ای در مورد همکاری در مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر به امضا رساندند. پوتین، رئیس جمهور روسیه، اهمیت این سازمان را در ابتکار عمل برای ایجاد کمربند امنیتی ضد مواد مخدر اطراف افغانستان مورد تأکید قرار داد.^(۶) اجلاس ۶-۵ ژوئیه ۲۰۰۵ در آستانه (قزاقستان) بر مسایل اقتصادی متمرکز بوده و پیشنهاد یک صندوق توسعه منطقه‌ای جامع و یک شورای بازرگانی را ارائه داد. اسناد مربوط به همکاری با آسه آن و کشورهای مشترک المنافع تنظیم گشته و «سازمان همکاری شانگهای» به مقام نظارت در مجمع عمومی سازمان ملل پذیرفته شد. نتیجه پراهمیت اجلاس سال ۲۰۰۵ این سازمان، اخطار به ایالات متحده آمریکا برای تعیین یک جدول زمانی جهت عقب نشینی نیروهای مسلح ناتو و آمریکا از خاک کشورهای عضو سازمان که به عنوان بخشی از «ائتلاف ضد تروریستی» به رهبری آمریکا در این کشورها حضور داشته بود.^(۷) از سوی دیگر ایالات متحده با این ادعا که حضورش در این مناطق مبتنی بر توافق دوجانبه با ازبکستان و قرقیزستان می باشد، سعی داشته از اجرای این درخواست طفره رود. لازم به گفتن است که مقامات ازبک در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۵ به واشنگتن دی سی در مورد برچیدن پایگاه هوایی «کارشی - خان آباد (K2)»^۱ واقع در مرز ازبکستان و پاکستان ظرف مدت ۶ ماه اخطار دادند. طبق شواهد ارتش جمهوری‌های متحد آخرین هواپیمای خود را ۲۱ نوامبر ۲۰۰۵ از K-2 خارج کردند.^(۸) این امر آشکارا حاکی از این بود که روسیه، چین و جمهوری‌های آسیای مرکزی مایلند در کنار هم و در چارچوب سازمان همکاری شانگهای مسئولیت امنیت منطقه را بر عهده گیرند. برخی از تحلیلگران معتقدند که رئیس جمهور ازبکستان، «اسلام کریموف»، در واکنش به انتقاد ایالات متحده از مخالفت تاشکند با بازرسی بین المللی در مورد «واقعه اندیجان» در تاریخ ۱۴-۱۲ ماه مه ۲۰۰۵، فشار اصلی را برای

1. Karshi - Khanabad (K-2)

تنظیم اعلامیه ضد آمریکایی وارد آورد.^(۹) اعضای سازمان از کریماف به خاطر حل بحران اندیجان قدردانی کردند. مسکو و پکن، تاشکند را در طول زمان آخرین تلاشش برای کاهش روابط آمریکا و ازبکستان مورد حمایت قرار می‌دادند.

در اجلاس ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ سازمان همکاری شانگهای در شانگهای ۱۰ توافقنامه به امضاء رسید که برخی از آنها از این قرارند: توافقنامه‌ای در مورد روند سازماندهی و اجرای اقدامات مشترک ضد تروریستی در اراضی جمهوری‌های عضو سازمان؛ پیمانی مبنی بر شناسایی و قطع کانالهای نفوذی افرادی که در فعالیتهای تروریستی، جدایی طلبی و افراط گرایی در خاک جمهوری‌های عضو سازمان شرکت دارند؛ یک توافق همکاری آموزشی بین دولتی در میان جمهوری‌های عضو؛ قطعنامه شورای بازرگانی تجار سازمان؛ و طرح عملکرد بانکهای عضو اتحادیه بین بانکی سازمان همکاری شانگهای در جهت حمایت از همکاری اقتصادی منطقه‌ای.^(۱۰)

به نظر می‌رسد در حواشی این اجلاس مبادلات تجاری به ارزش ۲ میلیارد دلار آمریکا انجام شد. مشخصه اصلی این اجلاس تحکیم ابعاد امنیتی بود. در واقع اعلامیه امضا شده در این نشست روندی به سوی تقویت منافع امنیتی را نشان می‌داد. در این اعلامیه بیان شد که تعیین ابزارهای خاص برای حفظ امنیت کامل منطقه حق و مسئولیت کشورهای این منطقه است... سازمان همکاری شانگهای کمک سازنده‌ای به ایجاد معماری جدید امنیت جهانی خواهد کرد. این اعلامیه بطور ضمنی اشاره کرد که تفاوت فرهنگها و الگوی توسعه باید مورد احترام و حمایت قرار گیرد. دخالت در امور داخلی یک کشور به بهانه «انقلاب رنگین» قابل قبول نبود. وقتی در این اعلامیه به وضوح عنوان شد که الگوی توسعه اجتماعی نباید صادر شود و اکثش نسبت به موضوع دخالت در امور داخلی کشورها آشکارتر گشت.

جنبه قابل توجه دیگر این اجلاس انتظار پیوستن جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو به این سازمان بود. اما احتمالاً بحثی در این مورد صورت نگرفت چرا که در مورد تبدیل کشورهای

ناظر به کشورهای عضو نیاز به تجدیدنظر منشور سازمان بود. در حقیقت کشورهای ناظر این سازمان (هند، جمهوری اسلامی ایران، مغولستان و پاکستان) هنگام ایراد سخنرانی می‌بایست خط مشی را که برای آنها در نظر گرفته شده بود دنبال می‌کردند. شاید عنوان موضوع عضویت این کشور می‌بایست بعداً در زمان دیگری مطرح می‌شد. چراکه اولویت فعلی سازمان همکاری شانگهای تبدیل کردن گروه‌های منطقه‌ای به سازمانی مؤثر و کارا است. به علاوه، منشور سازمان در مورد موضوع عضویت غیرفعال بوده و باید قوانین جدیدی در این زمینه تهیه و اتخاذ گردد. معاون وزیر خارجهٔ چین «لی هوی»^۱ در این مورد توضیح داد که گروه‌های منطقه‌ای فاقد اسناد قانونی در زمینهٔ پذیرش اعضای جدید می‌باشند. وی ابراز امیدواری کرد که چنین سندی بزودی تهیه گردد. به نظر می‌رسد کشورهای ناظر، قبل از اینکه به مقام عضویت کامل دست یابند باید یک مرحلهٔ میانی را نیز پشت سر بگذارند که آن «شریک مذاکره» است.

یکی دیگر از ابعاد جالبی که در چنین گردهمایی‌هایی بتدریج حائز اهمیت می‌شود پیشنهادهای در سطح بالای دیپلماتیک در حواشی آنها می‌باشد. پرویز مشرف، رئیس‌جمهور پاکستان از فرصت این اجلاس استفاده کرده و خواستار همکاری چین در برنامهٔ انرژی هسته‌ای غیرنظامی و حمایت محکم از خط لولهٔ گاز جمهوری اسلامی ایران - پاکستان و هند شد.

بنابراین سازمان همکاری شانگهای به‌کندی ولی مطمئناً در حال تبدیل به یک گروه منطقه‌ای در اوراسیا می‌باشد. آنچه بر اهمیت این سازمان افزوده تغییر جهت سیاستهای بین‌المللی از اروپا به اوراسیا است. وفور منابع طبیعی منطقهٔ اوراسیا مانند منابع انرژی و احتمال تبدیل اوراسیا به مرکز مسیرهای حمل و نقل بطور فوق‌العاده‌ای بر اهمیت سازمان مذکور افزوده است.

سازمان همکاری شانگهای همچنین دستور کار اقتصادی خود را گسترش داده و به احتمال بسیار زیاد، علاوه بر مبارزه علیه تروریسم و جدایی‌طلبی، موفق به ارتقای همکاری و

1. Li Hui

یکپارچگی اقتصادی در میان کشورهای عضو خواهد شد. چین و دیگر اعضای این سازمان در حال بررسی ۱۲۷ پروژه مشترک در زمینه حوزه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری، حقوق گمرکی، بودجه، مالیات، حمل و نقل، انرژی و دیگر موارد منافع دوطرفه می‌باشند. اجلاس ماه ژوئن سال ۲۰۰۶ سازمان مذکور همچنین نشان داد که روسیه و چین از منافع مشترک در آسیای مرکزی محافظت خواهند کرد. این منافع شامل جلوگیری از نفوذ ایالات متحده در منطقه، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و کنترل منابع انرژی منطقه می‌شود.

مسائل بین‌المللی و سازمان همکاری شانگهای

«عملیات آزادسازی»^۱ بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر، به رهبری آمریکا رژیم طالبان را در افغانستان از قدرت ساقط ساخت. از آن پس، نیروی بین‌المللی کمک‌های امنیتی (ایساف) به رهبری ناتو، مشغول ترویج ثبات و امنیت در منطقه است. این امر تأثیر مثبتی بر کشورهای آسیای مرکزی، به‌ویژه ازبکستان و تاجیکستان، که فعالیتهای جنگ‌طلبانه شدید افراط‌گرایان مذهبی و تروریستها چالش‌هایی امنیتی برای آنها مطرح کرده، داشته است. با این وجود، حضور نظامی غرب در قرقیزستان و ازبکستان (تا نوامبر ۲۰۰۵) نقشه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی را تغییر داده است. آمریکا تبدیل به یک بازیگر قدرتمند در منطقه شده و موافقت روسیه با اعطای تسهیلات پایگاه نظامی از سوی ازبکستان و قرقیزستان به ایالات متحده نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده است. انتظار می‌رفت این حضور نظامی محدود به زمان و مکان باشد؛ اما در عمل، درگیری آمریکا در آسیای مرکزی اکنون تشدید شده و جدای از تسهیلات پایگاه نظامی در «گانسی آ» در نزدیکی فرودگاه مناس^۲ در قرقیزستان و کارشی - خان‌آباد (K-2) در ازبکستان، کشورهای دیگری نیز مانند قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان از واشنگتن حمایت کرده‌اند.

1. Operation Enduring Freedom

2. Ganci

3. Manas

این امر به وضوح حاکی از ناکارایی سازمان همکاری شانگهای در ارائه یک مکانیزم امنیتی منطقه‌ای است. در این مورد که حضور نظامی آمریکا قرار نیست کوتاه مدت باشد و احتمالاً یک برنامه پنهانی در میان است، ناآرامی و اضطراب در بسیاری از حوزه‌ها، خصوصاً در میان نیروهای مسلح روسی حاکم بود. این برنامه می‌توانست کنترل منابع انرژی آسیای مرکزی و کاهش نفوذ روسیه در منطقه باشد. چنین برداشتی در مقابل زمینه‌های گسترش ناتو به سمت شرق طبیعی است. اکنون آمریکا تبدیل به یک بازیگر قدرتمند در این منطقه شده است. بیش از آن، روسیه ضامن اصلی ثبات و امنیت در آسیای مرکزی بوده است. در حالی که تروریسم به ابعاد جهانی دست یافته و افغانستان تبدیل به مرکز فعالیت آن شده، تلاشی جهانی در جهت مبارزه با این چالش اجتناب‌ناپذیر گشته است. چنین تلاشی به هماهنگی و همکاری همه جمهوری‌های منطقه و خارج از آن نیاز داشت. روسیه و چین حمایت و همکاری کاملی را با «عملیات آزادسازی» توسعه بخشیدند. از آنجا که روسیه در چین با چالش‌هایی روبرو است، حمایت مسکو قابل درک بود. چین نیز با «احیاگرایی اسلامی» ایغورها در منطقه سین‌کیانگ روبرو بود. اما مسکو و چین هر دو حضور طولانی نیروهای آمریکا در آسیای مرکزی را مصلحت منافع خود می‌دانند.

سیاست‌های خارجی جمهوری‌های آسیای مرکزی

اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری‌های آسیای مرکزی «سیاست درهای باز» بوده است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی کمک‌های مالی قابل توجه فدرال که این جمهوری‌ها را استوار نگه داشته بود به پایان رسید. در نتیجه، جمهوری‌های آسیای مرکزی درهای خود را به سوی کمک‌های خارجی باز کرده و برای همه بخش‌های مهم اقتصاد و بخش‌های گسترده اجتماعی وام گرفتند. اضطراب‌های ژئوپلیتیک - جمهوری‌های آسیای مرکزی محصور در خشکی بوده و سه کشور از آنها با چین مرز مشترک دارند - سیاست دوستی و رابطه با چین را می‌طلبید. بنابه نظر

یک دانشمند چینی به نام «ژوانگ ژی»^۱ اعضای سازمان همکاری شانگهای از مرز مشترکی برخوردارند؛ و برای آنها توسعه اقتصادی و حفظ ثبات داخلی بدون حمایت همسایگانشان غیر قابل تصور است.^(۱۱)

از اواخر دهه ۱۹۹۰، ازبکستان خود را از گروه‌های امنیتی و اقتصادی تحت سلطه روسیه دور می‌کرد اما حوادث اندیجان جهت سیاست خارجی تاشکند را عوض کرد. در سال جاری ازبکستان به سمت «سازمان امنیت جمعی» (که در سال ۱۹۹۹ از آن خارج شده بود) بازگشته و در ژانویه ۲۰۰۶ نیز به «جامعه اقتصادی اوراسیا» پیوست.^(۱۲) «سازمان امنیت جمعی» در سال ۲۰۰۱ توسط روسیه، بلاروس، قزاقستان، جمهوری قرقیز و تاجیکستان به منظور یکپارچگی و پیشرفت اقتصاد منطقه‌ای تأسیس شد. پیشنهادهای جمهوری‌های آسیای مرکزی با هدف ترویج همکاری منطقه‌ای از موفقیت بالایی برخوردار نبوده است؛ و تشکیل «جامعه اقتصادی آسیای مرکزی»، «سازمان همکاری آسیای مرکزی» و «اتحادیه اقتصادی آسیای مرکزی» نیز نتوانست اهداف مورد نظر را حاصل آورد. از سوی دیگر، احتمال می‌رود سازمان همکاری شانگهای بتواند در ارتقای اتحاد و همکاری اقتصادی منطقه نتیجه‌بخش باشد.

اما برخی از تحلیلگران و دیپلمات‌های آسیای مرکزی از «گسترش آرام‌چین» در این منطقه، به‌ویژه در قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان بیمناکند. مورات اوزوف یکی از سفرای سابق قزاقستان در پکن می‌گوید: «چین همسایه بزرگی برای ما بوده و ما می‌توانیم از آن سود ببریم. اما باید آماده شویم. من معتقدم بهترین راه برای آمادگی تقویت و اتحاد مردم و جمهوری‌های آسیای مرکزی است. ما همسایگان مشکلات مشخصی مانند موضوعات مرزی و آبی داریم. اما باید بتوانیم دوش به دوش یکدیگر قرار گیریم. اگر بتوانیم به یک برادری مسئولیت‌پذیر در آسیای مرکزی دست یابیم اقتدار و آزادی خود را حفظ خواهیم کرد».^(۱۳) پروف خایداروف، معاون وزیر خارجه سابق ازبکستان و سفیر سابق این کشور در جمهوری

اسلامی ایران نیز چنین نظری داشت.^(۱۴) اوزوف در مورد طرح‌های چین برای استخراج آب از رودخانه‌های ایلی و ایرتیش به منظور توسعه میدان نفت «اورومچی» در منطقه سین‌کیانگ، اظهار نگرانی کرد. این موضوع فوق‌العاده مهمی برای «آستانه» است چراکه آب در منطقه آسیای مرکزی یک موضوع استراتژیک شده است. هر دو رودخانه از چین سرچشمه می‌گیرند؛ «ایلی» قبل از منتهی شدن به دریاچه بالخاش از قزاقستان می‌گذرد و ایرتیش نیز پس از گذشتن از قزاقستان به رود روسی «اوب»^۱ می‌پیوندد.

به‌رغم هراس دانشمندان آسیای مرکزی در مورد انگیزه اصلی سازمان همکاری شانگهای، سازمان مذکور موفق شده به عنوان یک گروه منطقه‌ای پویا و پیشرو ظاهر شود. چین نیز روند روابط نزدیک با جمهوری‌های آسیای مرکزی در سطح دوجانبه را تعقیب کرده است. با پیوستن جمهوری‌های آسیای مرکزی به اقتصاد جهانی این منطقه می‌تواند دستخوش دگرگونی قابل توجهی شود. این روند نیاز به بررسی دارد زیرا بر مسیر آینده سازمان همکاری شانگهای و روابط جمهوری‌های آسیای مرکزی با چین و روسیه تأثیر خواهد گذاشت.

چالش‌ها و چشم‌اندازها

روسیه و چین دو قدرت اصلی در درون سازمان همکاری شانگهای هستند. آنها از زمان حل موضوعات مرزی‌شان، وارد یک مشارکت استراتژیک نزدیک شده و در مورد موضوعات امنیت بین‌المللی توافق نظر دارند. پیمان حسن‌همجواری، دوستی و همکاری سال ۲۰۰۱ نشانده روابط نزدیک و صمیمی بین روسیه و چین می‌باشد. این توافق نظر عامل مثبتی در سازمان مذکور تلقی می‌گردد. جمهوری‌های آسیای مرکزی، یعنی تازه واردین به عرصه سیاست‌های بین‌المللی، در مقایسه کوچک بوده و در مراحل مختلف دگرگونی قرار دارند. آنها هنوز در حال کسب و ساخت قابلیت‌های دفاعی خود هستند. در موضوعات امنیتی، روسیه نقش

غالب را در آسیای مرکزی (بجز از پاکستان که توانسته زیرساختار دفاعی معتدل خود را بنا کند) ایفا می‌کند. موفقیت سازمان به ماهیت رابطه میان روسیه و چین بستگی خواهد داشت. اما تفاوت‌های در حال ظهور بین این دو کشور نمی‌تواند در آینده کاهش یابد. یکی از حوزه‌های اختلاف بالقوه می‌تواند آسیای مرکزی باشد. روسیه بخشی از نفوذ از دست رفته خود را باز یافته، در حالی که چین روی همکاری و توسعه اقتصادی متمرکز بوده است. از نظر چینی‌ها توسعه نیز می‌تواند به عنوان ابزاری برای همکاری منطقه‌ای عمل کرده و ثبات منطقه آسیای مرکزی را تضمین کند. ماهیت روحیه شانگهای - سناریوی احتمالی کشیده شدن روابط چین و روسیه به سطح درگیری بر سر آسیای مرکزی در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد. اما هرگونه نشانه‌ای از اختلاف در میان این دو قدرت می‌تواند ضربه‌ای به منطقه وارد آورد. به علاوه، روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی در حال حرکت به سوی جوامع باز هستند. در آینده، این امکان می‌تواند که بر سازمان همکاری شانگهای نیز تأثیر بگذارد. در حال حاضر، می‌توان گفت مشارکت چین و روسیه تا آینده نزدیک ادامه خواهد داشت. هر دو کشورهای قدرتمندی هستند و اجازه نخواهند داد فشارها و اختلافها بر روابط آنها تأثیر گذارد.

سازمان مهم دیگری که در منطقه آسیای مرکزی فعال می‌باشد، سازمان پیمان امنیت جمعی CSTO است که در آوریل ۲۰۰۳ توسط روسیه، بلاروس، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در دوشنبه تأسیس شد. این سازمان دارای «نیروی استقرار سریع»^۱ در بیشکک و پایگاههای نظامی در قرقیزستان و تاجیکستان می‌باشد. سازمان مذکور در اوت ۲۰۰۴ تمرینهای نظامی «روبر ۲۰۰۴» را در قرقیزستان تکمیل کرد. رهبر قرقیزها نیروی گسترش سریع این سازمان را «یک سنگر امنیتی در آسیای مرکزی» خوانده و گفت: اکنون کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی هم یک سپر قابل اطمینان و هم یک شمشیر انتقام‌جو دارند».^(۱۵) هدف این سازمان ایجاد همکاری دفاعی بیشتر در میان اعضایش می‌باشد.

1. Rapid Deployment Force

2. Rubezh 2004

با پیوستن ازبکستان (کشور از نظر استراتژیکی مهم در آسیای مرکزی) به سازمان پیمان امنیت جمعی، اخیراً موقعیت سازمان تقویت شده است. ازبکستان در سال ۱۹۹۹ پیمان امنیت جمعی را ترک کرده بود. اما با پیوستن آن، این سازمان منافع زیادی می‌برد زیرا طبق گزارشها این کشور دارای قدرتمندترین ارتش منطقه آسیای مرکزی می‌باشد. سازمان پیمان امنیت جمعی همچنین تصمیم دارد با «انقلابهای رنگین» تحت حمایت غرب مقابله کند. نیروهای واکنش سریع جمعی در قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان صف‌آرایی شده‌اند. حضور نظامی روسیه برای دفع جنگ‌طلبانی که به مرزها تجاوز می‌کنند ضروری است. اما حضور نظامی گسترده این کشور نمایی از قدرتش تلقی می‌گردد. سازمان همکاری شانگهای بر خلاف سازمان پیمان امنیت جمعی ماده‌ای را مبنی بر دفاع جمعی از اعضایش توسط دیگران، در صورت بروز یک حمله خارجی، در منشور خود ندارد. بخش نظامی سازمان همکاری شانگهای، مقاومت جمعی را در برابر بازیگران غیردولتی، مانند حرکت اسلامی ترکستان و سازمان تروریستی بین‌المللی القاعده، در صورت تجاوز به مرز یکی از کشورهای عضو، تصریح می‌کند.^(۱۶) کنفرانس «اقدامات اعتمادسازی و روابط متقابل در آسیا»، به ابتکار رئیس‌جمهور قزاقستان آقای نورسلطان نظرбайف، بر ارتقای همکاری و اقدامات اعتمادسازی در میان کشورهای عضو متمرکز است. دو اجلاس این کنفرانس تاکنون در آلمانی برگزار شده است. دومین نشست آن در ژوئن ۲۰۰۶ در آلمانی و اولین آن در سال ۲۰۰۲ برگزار شد. در هر دو اجلاس هدف همه تفکرات بیان شده ترویج همکاری و مشارکت اقتصادی در میان کشورهای عضو و پرورش استراتژی مبارزه علیه نیروهای افراط‌گرا و تروریست بود.

در سطح اقتصادی چندین گروه وجود دارد. «جامعه اقتصادی اوراسیا» که در سال ۲۰۰۱ با حضور روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان تأسیس شد نیز همکاری اقتصادی بیشتر در میان اعضایش و ایجاد همکاری منطقه‌ای را هدف خود قرار داده است. سازمان همکاری شانگهای یادداشت تفاهمی با جامعه مذکور به امضا رسانده است. سازمان

کشورهای مشترک‌المنافع دارای ساختارهای متعددی در حمایت از اهدافی مشابه با اهداف سازمان همکاری شانگهای می‌باشد، اگرچه بجز حوزه موضوعات امنیتی به موفقیت‌های چندانی نایل نشده است. جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز خود در ارتقای همکاری منطقه‌ای موفقیت زیادی نداشته، و خصوصاً در مورد موضوعات امنیتی، امید به روسیه بسته‌اند. سازمان همکاری شانگهای در مورد همکاری اقتصادی مسیری طولانی در پیش دارد چراکه دارای روندی طولانی با اهدافی درازمدت می‌باشد.

یکی از پرسش‌های مهم این است که اولویت سازمان مذکور در سیاست‌های خارجی کشورهای آسیای مرکزی چیست؟ قزاقستان و تاجیکستان یک سیاست چندجهتی را تعقیب می‌کنند. سؤال اینجاست که کشورهای آسیای مرکزی تا چه حد مایلند در سازمان‌های همکاری شانگهای سرمایه‌گذاری کنند؟ بُعد دیگر این است که روابط چین با این کشورها در خارج از چارچوب این سازمان هنوز در اولویت بالایی قرار دارد، به استثنای قزاقستان که این کشور با آن یک رابطه مشارکت استراتژیک دارد. جمهوری‌های آسیای مرکزی از اضطرارهای ژئوپلیتیکی مطلع بوده و بنابراین باید روابط دوستانه خود را با چین حفظ کنند. بنابراین در آینده قابل پیش‌بینی اضطرارهای ژئوپلیتیک همچنان بر عملکرد جمهوری‌های آسیای مرکزی حاکم خواهد بود.

در تحلیل آخر، سازمان همکاری شانگهای، ارتقای توسعه و همکاری اقتصادی را در میان اعضایش هدف خود قرار می‌دهد. توسعه اقتصادی مطمئناً منجر به کیفیت بهتر زندگی مردم و کمک به حفظ ثبات منطقه خواهد شد. اما ساختارهای سازمانی نیز به تقویت نیاز دارند. از آنجا که روسیه و چین حامیان اصلی سازمان مذکور را تشکیل می‌دهند، ماهیت رابطه آنها بسیار مهم است. نوع توسعه و جهت‌گیری‌هایی که در داخل آسیای مرکزی رخ می‌دهد و خواست سیاسی رهبران آنها نیز موضوعاتی هستند که موفقیت سازمان به آنها بستگی دارد.

لیست منتخبی از توافقنامه‌های امضاشده میان اعضای شانگهای پنج

۱. گروه شانگهای پنج، ابتدا در سال ۱۹۹۶، با امضای پیمان تعمیق اعتماد نظامی در مناطق مرزی، توسط رؤسای جمهوری‌های چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان در شانگهای تشکیل شد.
۲. در سال ۱۹۹۷، همین کشورها «پیمان کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی» را طی نشستی در مسکو به امضا رساندند.

انتخاب فهرستی از توافقنامه‌های امضاشده میان جمهوری‌های عضو سازمان همکاری شانگهای

۱. رؤسای شش کشور چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان، در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱، اعلامیه‌ی سازمان همکاری شانگهای را در شانگهای چین به امضا رساندند.
۲. در ماه ژوئیه ۲۰۰۱، روسیه و چین، دو کشور مهم این سازمان، «پیمان حسن همجواری و همکاری دوستانه» را امضا کردند.
۳. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۲، سازمان همکاری شانگهای «ساختار ضد تروریستی منطقه» را از امضای جمهوری‌های عضو گذراند.
۴. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۲، رؤسای جمهوری‌های عضو سازمان مذکور، منشور این سازمان را که تفسیری بود بر اهداف، اصول، ساختارها و نحوه‌ی عملکرد آن، در سن پترزبورگ روسیه امضا کرده و از نظر قوانین بین‌المللی آن را رسماً تأسیس کردند.

یادداشت‌ها

1. <http://www.sectsc.org> (Accessed on July 10, 2006)
2. <http://www.fmprc.gov.cn/eng/wjdt/2649/t157771.htm> (Accessed on March 15, 2003)
3. <http://hrw.org/english/docs/2006/06/14/eca13545.htm> (Accessed on June 26, 2005)
4. http://english.scosummit2006.org/en_bizl/2006-04/21/content_156.htm (Accessed on June 20, 2006)

5. Ibid.
6. Ibid.
7. www.uzreport.com (Accessed on July 15, 2005)
8. Murray, Craig, "Uzbekistan switching its gas to Russia", [http://www.craigmurray.co.uk/archives/2005/Aug/turner Aug05.asp](http://www.craigmurray.co.uk/archives/2005/Aug/turner%20Aug05.asp) (Accessed on December 18, 2005)
9. Turner, E. Jefferson, "What is Driving India's and Pakistan's Interest in joining the Shanghai Cooperation Organisation?", [http://www.ccc.nps.navy.mil/si/2005/Aug/turner Aug05.asp](http://www.ccc.nps.navy.mil/si/2005/Aug/turner%20Aug05.asp) (Accessed on December 18, 2005).
10. http://www.sectsc.org/news_detail.asp?id=938&LanguageID=2 (Accessed on June 17, 2006)
11. Zhaunghzi, S., "New and Old Regionalism: The SCO and Sino-Central Asian Relations", *The Review of International Affairs*, 3 (4), 2004, p.606.
12. "Uzbekistan Lifts Moratorium on attending CSTO Meeting", www.uzreport.com (Accessed on June 30, 2006)
13. Interviews with Murat Auezov in Almaty, Kazakhstan June 6, 2006.
14. Interview with Prof Khaydarov, Online July 15, 2006.
15. The Times of Central Asia, Bishkik, August 12, 2004.
16. www.mosnews.com/news/2006russiachinasco (Accessed on 15 May 2006).

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی